گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۴۸۹۹
شنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۵ ۱۰:۱۱

یادداشتی از رشید جعفرپور، مدرس دانشگاه، قائم‌مقام و مشاور معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم ؛

حماسه‌ای فراتر از سوگواری؛ تشییع میلیونی، روایتِ امتی زنده با پروژه‌ای تمدنی

قائم‌مقام و مشاور معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، در یادداشتی با تشریح ابعاد سیاسی، اجتماعی و تمدنی تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب اسلامی، این رویداد را نمادی از قدرت نرم نظام اسلامی، بازتولید سرمایه اجتماعی و تجدید بیعت ملت با آرمان‌های انقلاب اسلامی دانست.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، رشید جعفرپور، مدرس دانشگاه، قائم‌مقام و مشاور معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم در یادداشتی با عنوان «تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب اسلامی؛ نماد قدرت نرم نظام اسلامی» به بررسی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و راهبردی این رویداد پرداخته است.

متن کامل یادداشت به شرح ذیل است:

«تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، به رویدادی فراتر از سوگواری تبدیل شده و مرزهای ملی را درنوردیده، به پدیده‌ای منطقه‌ای و حتی جهانی بدل شده است. این اثرگذاری را باید در مفهومی یافت که در علوم سیاسی به «قدرت نرم» شهرت دارد؛ اما در گفتمان انقلاب اسلامی، این مفهوم، ریشه‌ای بسیار عمیق‌تر از نظریه‌پردازی‌های غربی دارد. تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب اسلامی، نه یک آیینِ صرفاً عاطفی، که عملیاتِ راهبردیِ بازتولیدِ سرمایه اجتماعی و همه‌پرسیِ زنده مشروعیت در بسترِ فرهنگِ شیعی است.

در ادبیاتِ کلاسیکِ روابط‌بین‌الملل، قدرتِ نرم، توانایی «شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت» تعریف می‌شود.

اما در منظومه فکریِ انقلاب اسلامی، این جذابیت، ریشه در سه مؤلفه غیرقابل‌انکار دارد: ایمانِ عمیقِ دینی، فرهنگِ ایثار و شهادت و عدالت‌خواهیِ ساختاری. آیین تشییعِ رهبر شهید، نقطه تلاقیِ این سه مؤلفه است. در این رخداد، «مردم» نه تماشاگر که بازیگرِ اصلیِ صحنه‌اند و «صحنه» نیز نه یک خیابان که عرصه نمایشِ اراده جمعیِ یک امت است. آنچه این آیین را از یک راهپیماییِ معمولی متمایز می‌کند، خودجوشی، نمادینگیِ عمیق و پیوندِ ناگسستنیِ آن با باورهای معنوی و دینی است.

فرهنگِ شهادت در اسلام، نه یک مقوله حاشیه‌ای، که هسته مرکزیِ تولیدِ هویتِ جمعی است. قرآن کریم با صراحت، شهیدان را «زنده نزد پروردگار» معرفی می‌کند و بدین‌سان، مرز میان «حیات» و «ممات» را درهم می‌شکند. این نگاه، تشییع را از یک آیینِ خاکسپاری، به حماسه پیوندِ دوباره امت با آرمان‌های جاودانه الهی ارتقاء می‌دهد. در اندیشه شیعی، شهادتِ یک رهبر، نه پایانِ راه، که «نقطه عطفی» برای بازتعریفِ قدرت است. هنگامی که رهبری در اوجِ اقتدارِ سیاسی به شهادت می‌رسد، این پیام به جامعه منتقل می‌شود که مسیرِ انقلاب، فراتر از افراد و مبتنی بر یک «پروژه تمدنی» است. تشییعِ چنین رهبری، در واقع، تجدیدِ بیعت با آن پروژه تمدنی و اعلامِ آمادگی برای ادامه مسیر، با فرمانده جدید و تازه نفس است.

از منظرِ تحلیلِ راهبردی، تشییعِ میلیونیِ رهبر شهید، دست‌کم سه کارکردِ ژئوپلیتیکیِ مهم دارد. نخست، بازدارندگیِ ترکیبی که در آن، تشییعِ عظیم، یک بازدارندگیِ روانی-اجتماعی محسوب می‌شود. دشمنانِ انقلاب، همواره بر «شکافِ مردم و نظام» سرمایه‌گذاری کرده‌اند. نمایشِ همبستگیِ میلیونی در تشییع، این روایت را درهم می‌شکند و هزینه‌های هرگونه ماجراجوییِ خارجی را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. دوم، دیپلماسیِ عمومیِ بی‌واسطه که در عصرِ سلطه تصاویر، یک فیلمِ چنددقیقه‌ای از تشییعِ باشکوه، بیشتر از صدها بیانیه سیاسی، کارایی اقناعی دارد. این تصاویر، بدون واسطه رسانه‌های معاند، ظرفیتِ بسیج‌کنندگیِ انقلاب اسلامی را به افکار عمومیِ جهان نشان می‌دهند و جبهه مقاومت را در سطحِ منطقه، امیدوار و سازماندهی می‌کنند. سوم، همه‌پرسیِ نمادین در بزنگاه‌های بحران؛ تشییعِ عظیم، کارکردِ یک نظرسنجیِ عمومی را دارد. حضورِ اقشارِ مختلفِ جامعه با سلایقِ گوناگون در کنار هم، پاسخی صریح به هرگونه گمانه‌زنی درباره افولِ مشروعیتِ نظام است.

با وجودِ همه ظرفیت‌هایِ فوق، تشییعِ یک رهبر شهید، خود یک «آزمایشِ سیاسیِ بزرگ» است. مدیریتِ هوشمندانه آن، نیازمندِ توجه به چند نکته ظریف است. نخست، ترجمه عواطف به سرمایه اجتماعیِ ماندگار؛ حضور میلیونی، یک «فرصت» است، نه یک «دستاوردِ تمام‌شده». این سرمایه عاطفی می‌تواند به بازسازی اراده برای اجرای طرح‌های راهبردی، عمرانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگیِ کلان شود. دوم، بهره‌گیری از ظرفیتِ بین‌المللیِ روایتِ اول؛ دشمنان، تلاش می‌کنند این رویداد را به «سوگواریِ اجباری» یا «نمایشِ ساختگی» تقلیل دهند. از این رو، تولیدِ روایتِ دقیق، مستند و چندزبانه از خودجوشیِ مردم، یک نیازِ راهبردیِ فوری است.

در نگاهِ تمدنیِ انقلاب اسلامی، تشییعِ باشکوهِ رهبر شهید، صرفاً یک «پایان» نیست؛ بلکه نقطه آغازِ مرحله‌ای تازه از «بازتولیدِ تمدنی» است. خونِ شهید، در این منظومه فکری، به‌مثابه «آبیاریِ مجددِ نهالِ انقلاب» عمل می‌کند و تشییع، مراسمی است که این نهال را در برابرِ آفت‌هایِ تاریخی، مقاوم‌تر می‌سازد. گذشته انقلاب‌های جهان نشان می‌دهد که بسیاری از آنان، پس از از دست‌دادنِ رهبرانِ بنیان‌گذار، به انحطاط گراییدند. اما آنچه انقلاب اسلامی را متمایز می‌کند، گفتمانِ «استمرار» است؛ گفتمانی که تشییعِ باشکوهِ رهبرانِ شهید، هر بار آن را به شکلی نوین، در کالبدِ جامعه دمیده است.

تشییعِ رهبرِ شهید انقلاب اسلامی، یک رویدادِ عاطفیِ صرف نیست؛ بلکه پدیده‌ای پیچیده سیاسی-فرهنگی است که در آن، مؤلفه‌هایِ قدرتِ نرم (جذابیتِ ایدئولوژیک، مشروعیتِ جمعی، بازدارندگیِ روانی) با سرمایه‌هایِ اجتماعی (انسجام، اعتماد، مشارکت) درآمیخته و تصویری از یک «امتِ زنده» را به جهانیان نشان می‌دهد. این آیین، به دشمنان می‌آموزد که انقلاب اسلامی، نه یک جریانِ وابسته به فرد که یک ساختارِ هویتیِ ریشه‌دار در ایمان و فرهنگ است و به دوستانِ خود، این اطمینان را می‌دهد که مسیرِ مقاومت، همچنان با پشتوانه‌ای مستحکم از سرمایه انسانی و معنوی، تا تحققِ وعده‌هایِ الهی ادامه خواهد یافت. تشییعِ باشکوه، آغازِ بازتولیدِ قدرت نرمی است که این بار، در قامتِ یک «امتِ سوگوار اما مصمم»، قدرتِ نرمِ تازه‌ای را برای فتحِ قله‌هایِ تمدنی، به صحنه آورده است».